

تجربه زیسته سوءمصرف مواد مخدر در میان جوانان گرد (مطالعه موردی استان سلیمانیه)

خالد کریمی*^۱
پونه شهریاری^۲
آرام اسعد عبدالرحیم^۳

چکیده

هدف تحقیق حاضر، مطالعه تجربه زیسته‌ی جوانان معتاد به مواد مخدر در استان سلیمانیه کردستان عراق بوده است. در سال‌های اخیر، سوءمصرف مواد مخدر در جهان افزایش یافته است و کشورهای در حال توسعه، هزینه‌های قابل توجهی در نتیجه‌ی خسارت‌های ناشی از سوءمصرف مواد مخدر متقبل می‌شوند. در سال‌های اخیر در کردستان عراق، رشد قابل توجهی در شیوع سوءمصرف مواد مخدر وجود داشته است، با این وجود، در این استان، هیچ پژوهشی در رابطه با مواد مخدر و جوانان صورت نگرفته است، از این رو محقق بر آن شد تا جهت شناخت زمینه‌ای و عمیق به مطالعه تجربه‌ی زیسته‌ی جوانان معتاد شهر سلیمانیه بپردازد. تحقیق حاضر از نوع تفسیری بوده و با استفاده از روش کیفی و رویکرد پدیدارشناسی انجام شده است به صورتی که اعتیاد به-عنوان پدیده‌ای اجتماعی مورد مطالعه و فهم واقع گردیده است. برای گردآوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه استفاد گردیده و با ۱۵ جوان معتاد از دو زندان «معسگرسلام^۴» و «بازپروری بزرگسالان^۵» مصاحبه انجام شده است. برای تفسیر و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده با استفاده از کدگذاری متن مصاحبه‌ها، به دسته‌بندی داده‌ها پرداخته شد. به‌طور کلی، شش مقوله از کدگذاری‌ها استخراج گردید که شامل «خانواده نابسامان و خویشاوندان»، «آوارگی و مهاجرت»، «وضعیت اقتصادی نامناسب»، «نا آگاهی و سهل انگاری نسبت به مواد مخدر و عدم اطلاع‌رسانی مناسب»، «شیوع سیگار و مشروبات الکلی» و «دوستان ناباب» می‌باشند. با توجه به اظهارات مصاحبه‌شوندگان، در میان گروه‌های خانواده و دوستان، همکاران و همکلاسی‌ها، دوستان بیشترین تأثیرات در گرایش به سوءمصرف مواد مخدر در آن‌ها داشته‌اند، سپس خانواده با اعمال خشونت، بی-توجهی، اعتیاد والدین و مصرف سیگار و مشروبات الکلی، تأثیر قابل توجهی در این‌باره داشته است. تحصیلات مصاحبه‌شوندگان در سطح پایین بوده به صورتی که تنها یک مورد دارای تحصیلات دانشگاهی بود. مصاحبه-شوندگان، سطح پایین تحصیلات را به‌عنوان عامل مهم در عدم آگاهی و بی‌اطلاعی از تأثیرات مواد مخدر دانسته‌اند. آوارگی، شیوع و عدم منع قانونی جهت خرید و فروش و استعمال مشروبات الکلی نیز در میان مصاحبه-شوندگان، بسیار مورد توجه قرار گرفته است.

کلید واژگان: اعتیاد، جوانان، سلیمانیه، سوءمصرف، معتاد، مواد مخدر.

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۱۳ - 2020/02/02

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۱/۲۵ - 2020/04/13

۱. کارشناسی ارشد مطالعات زنان، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

* نویسنده مسئول:

khaledkarimi1982@gmail.com

puneshahriari@gmail.com

aramasaad_87@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی، گروه جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. کارشناسی ارشد مطالعات جوانان، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۴. به‌ندخان‌های مه‌سکدر سه‌لام

۵. چاکسازی گهوران و لاوان

مقدمه و طرح مسئله

در سال‌های اخیر سوء مصرف مواد مخدر در جهان افزایش داشته است به طوری که در حال حاضر همه‌ی کشورهای جهان، توسعه یافته و یا در حال توسعه، هزینه‌ی قابل توجهی را در نتیجه‌ی خسارت‌های ناشی از سوء مصرف مواد مخدر متقبل می‌شوند (میسسیا، ۲۰۰۹: ۲). دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل (UNODC^۲) در جدیدترین گزارش خود در سال ۲۰۱۹ پیرامون وضعیت مواد مخدر در جهان اعلام کرد تخمین زده می‌شود که حدود ۲۷۱ میلیون نفر و یا ۵٫۵ درصد از جمعیت بزرگسال جهان در سال ۲۰۱۷ به صورت غیر قانونی حداقل یک بار مواد مخدر مصرف کرده باشند. سوء مصرف مواد مخدر افراد جوان و مشکلات مرتبط با این رفتار، بخشی از تاریخ بشر برای مدت طولانی بوده است (میسسیا، ۲۰۰۹: ۱۶). پژوهش‌ها نشان داده است که جوانان در معرض بیشترین خطر برای تمایل به سوء مصرف مواد می‌باشند (جانستون و همکاران^۳، ۲۰۰۶). بررسی علل سوء مصرف مواد مخدر جوانان از این نظر حیاتی است که این مسئله باعث مسائل متعددی در سلامت و بهزیستی آنان از قبیل افزایش خطر آسیب و مرگ از طریق خشونت بین فردی، تصادفات جاده‌ای، افزایش رفتارهای پرخطر جنسی، حاملگی ناخواسته، ابتلا به بیماری‌هایی چون ایدز و مسائل و مشکلات تحصیلی شود (میلر، لستینگ و اسمیت^۴، ۲۰۰۱). سوء مصرف مواد مخدر هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی گزافی از طریق اثرات مخرب خود بر سلامت افراد و افزایش جرم و جنایت و مرگ و میر در جامعه تحمیل کرده و در نتیجه، به یک تهدید جدی برای جوامع تبدیل شده است (پیتر و آلیسیا^۵، ۲۰۱۰)، به طوری که در سراسر جهان هروئین، کوکائین و سایر مواد مخدر سالانه حدود ۳۵۰ هزار نفر را به کام مرگ می‌کشاند و باعث از هم پاشیدگی خانواده‌ها و بدبختی هزاران نفر از مردمانی می‌شود که تجربه‌ی مواد مخدر را هرگز نداشته اند (گزارش جهانی مواد مخدر، ۲۰۱۹).

حل مسائل هر کشور، تداوم پویایی آن و رسیدن به جامعه‌ی سالم و مطلوب نیازمند داشتن نیروهای سالم، با نشاط و فعال می‌باشد. اعتیاد ضمن تهدید جدی سازنده‌ترین و پویاترین نیروهای جامعه یعنی جوانان، سلامت، انسجام و پیشرفت جامعه را نیز به طور کلی به خطر می‌اندازد و نظام‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و اقتصادی را مختل می‌نماید. امروزه نرخ جمعیت جوان در کردستان عراق بی‌مانند بوده است. طبق هرم سنی جمعیتی سال ۲۰۱۸، بیش از ۲۰ درصد از کل جمعیت کردستان عراق را سنین ۱۸ تا ۳۴ سال تشکیل می‌دهد و همین امر سبب افزایش باروری کل^۶ در این منطقه می‌گردد. علی‌رغم عدم وجود آمار دقیق و کامل درباره‌ی داده‌های جمعیتی در کردستان عراق، اما می‌توان بیان داشت که جمعیت کردستان در سن اشتغال (۱۵ تا ۶۴ ساله) نیز روندی روبه رشد را

1. Maithya
 2. United Nation Office on Drugs and Crime
 3. Johnston et al
 4. Miller, Lesting & Smith
 5. Peter & Alicia
 6. TRF

دارد، هم‌چنین جمعیت جوان شهری نیز در حال افزایش می‌باشد یعنی از ۲۱/۵ درصد از سال ۲۰۱۴ تخمین زده می‌شود به ۲۳/۱ درصد در سال ۲۰۲۱ برسد (وزارت برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای حکومت اقلیم کردستان، ۲۰۱۸).

با وجود منابع مساعد دولتی و نیز اتخاذ سیاست‌های سخت‌گیرانه برای حمل مواد مخدر، سوء- مصرف مواد مخدر در افراد با رده‌های سنی نوجوانان و جوانان با هر وضعیت اقتصادی، سطح تحصیلی منطقه در حال گسترش می‌باشد؛ بنابراین در چنین شرایطی درک عوامل موثر بر اعتیاد بویژه در جوانان در کردستان عراق به منظور توسعه‌ی استراتژی‌های کنترل و پیشگیری از سوءمصرف مواد ضروری می‌نماید. با توجه به مجموعه آسیب‌ها و مخاطرات سوءمصرف مواد مخدر، مسئله‌ی اصلی در پژوهش حاضر فهم تجربه‌ی زیسته‌ی جوانان معتاد در استان سلیمانیه کردستان عراق می‌باشد. از دلایل انتخاب این مکان، همان‌گونه که در ادامه نیز آمده است، شیوع روزافزون مواد مخدر و اعتیاد در میان جوانان و نوجوانان این استان و عدم انجام هرگونه پژوهش و مطالعه‌ای در این خصوص در استان بوده است.

سوالات فرعی:

- ۱- تجربه‌ی زیسته‌ی جوانان معتاد در استان سلیمانیه‌ی کردستان عراق در رابطه با خانواده- هایشان چگونه است؟
- ۲- تجربه‌ی زیسته‌ی جوانان معتاد استان سلیمانیه‌ی کردستان عراق با توجه به همسایگی و هم‌جواری سیاسی، جغرافیایی و فرهنگی حکومت اقلیم کردستان با ایران چگونه است؟
- ۳- تجربه‌ی زیسته‌ی جوانان معتاد استان سلیمانیه‌ی کردستان عراق در رابطه با دوستان و همسالان آن‌ها چگونه است؟

جوانان و مواد مخدر

گرایش جوانان به مواد مخدر و محرک‌ها که خود معلول عوامل و انگیزه‌های متعددی است در واقع از فروعات گرایش ابناء بشر به انحراف، کج‌رفتاری و نابهنجاری اجتماعی است به عبارت بهتر اصولاً همان عوامل و انگیزه‌هایی که باعث ارتکاب اعمال ناقض وجدان جمعی، قوانین و مقررات و کج‌رفتاری می‌شود، عموماً در مورد گرایش جوانان به سوءمصرف مواد مخدر و محرک نیز صادق است (فرخی و دیگران، ۱۳۹۸). سوءمصرف مواد در میان جوانان پدیده‌ای نامتجانس است به‌همین دلیل می‌توان زمینه‌های متفاوتی مانند شرایط خانوادگی، فردی، اجتماعی و زیستی داشته باشد (اله‌وردی‌پور، ۱۳۸۴). طی چند دهه‌ی گذشته نظریه‌پردازان مختلفی تلاش کرده‌اند که تبیین روشنی از علل گرایش جوانان به مواد مخدر ارائه دهند. این نظریه‌ها طیف گسترده‌ای از عوامل زمینه‌ساز ژنتیکی،

روانشناختی، خانوادگی و اجتماعی را مورد بررسی قرار داده‌اند (باتوین^۱، ۲۰۰۰). مصرف سیگار، مشروبات الکلی، مواد مخدر طبیعی و صنعتی و سایر مواد غیر قانونی توسط جوانان، یکی از مهم‌ترین چالش‌های بهداشتی و روانی-اجتماعی است که اکثر کشورهای جهان به‌نوعی با آن درگیر می‌باشند و مشکلات بهداشتی و روانی-اجتماعی بسیار گسترده‌ای را بر جوانان تحمیل می‌نمایند (کاتالانو، هاوکینز و میلر^۲، ۲۰۰۲: ۹۰).

پژوهش‌های مرتبط با عوامل زیستی و ژنتیکی به‌عنوان عوامل موثر بر گرایش به مواد مخدر نیز به‌سرعت در حال گسترش است (نیوکامب^۳، ۱۹۹۵). در زمینه‌ی عوامل فردی نیز به ارتباط بین مشکلات خود تنظیمی و مشکلات شناختی از قبیل ناتوانی در برنامه‌ریزی، اشکال در توجه، استدلال انتزاعی، نظارت بر خود و کنترل حرکتی با سوءمصرف مواد توجه شده است. برخی پژوهش‌گران نیز به تبیین عوامل خانوادگی در حکم واسطه آسیب‌پذیری نسبت به سوءمصرف مواد مخدر پرداخته و نشان داده‌اند که وجود مشکلات روان‌شناختی مانند افسردگی و اضطراب در مادران با سوءمصرف مواد در فرزندان مرتبط بوده است (اسپرینگر و سامبرانو^۴، ۲۰۰۴).

پیشینه تجربی

هم در زمینه‌ی مواد مخدر و هم در زمینه‌ی جوانان، مطالعات اندکی در کردستان عراق انجام شده است. شایان ذکر است در رابطه با تاثیر مواد مخدر بر جوانان و نیز علل گرایش جوانان به مواد مخدر در کردستان عراق، تاکنون تحقیقی علمی صورت نگرفته است. با این وجود در ادامه‌ی پژوهش به بررسی پژوهش‌های داخلی و خارجی عراق و کردستان عراق در این رابطه خواهیم پرداخت.

تحقیقات داخلی عراق و کردستان عراق:

تحقیقات داخلی شامل دو تحقیق است یکی تحقیقی توسط «افراه جاسم محمد العزاوی» با عنوان «سوءمصرف قرص‌های مخدر و محرک LSD، مورد مطالعه: بازپروری بزرگسالان ابوغریب^۵» در سال ۲۰۰۱ در بغداد، با روش کمی انجام گرفته است که بیشتر بر عوامل فردی تاکید دارد. یافته‌های این تحقیق حاکی از این بود که ۶۰ درصد از معتادین دارای روابط خانوادگی مناسبی نبوده‌اند، ۸۳ درصد از این افراد در خانواده‌هایی بوده‌اند که یکی از اعضای آنان از مشروبات الکلی استفاده کرده‌اند، ۸۰ درصد از این پاسخ‌گویان بر این باور بودند که دسترسی آسان به مواد مخدر، تاثیر تعیین‌کننده‌ای در گرایش آنان به این مواد داشته است.

1. Botwin
2. Catalano, Hawkins and Miller
3. Newcomb
4. Springer & Sambrano

۵. تعاطی الحبوب المخدرة و عقاقير الهلوسة عواملها و اثارها، دراسة ميدانية في دائرة اصلاح الكبار في ابي غريب

تحقیق دیگر در اقلیم کردستان توسط «لقمان صالح کریم^۱» با عنوان «تاثیر اجتماعی سوء- مصرف مواد مخدر^۲» در سال ۲۰۰۹ انجام گرفته است. در این پژوهش محقق هم از روش کیفی و نیز از روش کمی با استفاده از ابزار مصاحبه عمیق و پرسشنامه به مصاحبه با معتادان به مواد مخدر در زندان‌های کردستان عراق پرداخته است. در این تحقیق بیشتر تاکید بر عوامل ساختاری است. همان‌گونه که پیداست، مطالعات و تحقیقات در حوزه مواد مخدر و جوانان در عراق و به‌طور خاص در کردستان عراق بسیار اندک بوده و همان دو مورد نیز با تاکید بر عوامل ساختاری و هم‌چنین روش کمی صورت گرفته است، این در حالی است که اعتیاد و شیوع مواد مخدر در عراق و کردستان عراق تاکنون به‌عنوان پدیده‌ای که می‌بایست از زبان معتادان نگریسته شود، بررسی و مطالعه نشده است. فرآیند روی‌آوری به مواد مخدر و تفسیر ساختارهای اجتماعی‌ای که جوانان و نوجوانان در آن این گرایش را کسب می‌کنند، در این تحقیقات نادیده انگاشته شده است، از این‌رو در تحقیق حاضر سعی شده است رویکردی زمینه‌ای و اکتشافی با تاکید بر بیان معتادان و درگیران سطح یک این آسیب‌اجتماعی در استان سلیمانیه کردستان عراق مورد توجه قرار گیرد.

تحقیقات خارجی

پرویز سرور و دیگران (۱۳۸۳) در تحقیق با عنوان «اعتیاد از نظر نوجوانان» در شهر تهران با استفاده از روش کیفی به تبیین نظرات نوجوانان پیرامون سلامت و اعتیاد پرداختند. تحلیل دست‌نوشته‌ها نشان داد که ۸۷٪ افراد مورد بررسی، دوستی‌ها و ارتباط با دوستان و ۱۵٪، خانواده را دلیل رواج اعتیاد دانسته‌اند. رهایی از مشکلات و بی‌خیالی، احساس بزرگی و قدرت، جبران محدودیت‌های اجتماعی، نداشتن کار و تفریح، تمایل به هنجارشکنی و کنجکاوی نیز از دیگر دلایل مورد نظر نوجوانان مورد بررسی بود.

سلیمان الدرعی (۱۹۹۷) در تحقیق خود با عنوان «سوء مصرف مواد مخدر در اردن» به بررسی این پدیده به روش کمی پرداخت. نمونه‌ی این تحقیق شامل ۹۷ نفر از معتادین (۲۰ تا ۲۹ ساله) بیمارستان الرشید اردن بود که نشان داد اکثر این معتادین از بیماری‌های روانی رنج برده‌اند، بیشتر این معتادین توسط همسالان و اکثراً از طریق همکلاسی‌های خود با مواد مخدر آشنا شده‌اند. بیشتر این افراد به جهت ضعف اعتقادات مذهبی و نیز عده‌ای به‌خاطر کنجکاوی به این مواد روی آورده‌اند. یافته‌های پژوهش تری، املی و جانستون^۳ (۲۰۰۹) به منظور بررسی دلایل مصرف مواد مخدر در میان جوانان آمریکایی طی سال‌های ۱۹۷۶ تا ۲۰۰۵ نشان داد که دلایل اجتماعی و تفریحی شایع‌ترین دلایل برای استفاده از مواد مخدر بود. به‌علاوه یافته‌ها در دلایل گزارش شده برای مصرف مواد بر حسب

۱. لوقمان صالح که‌ریم

۲. هوکار و چیکه‌وته کومه‌لایه‌تیه‌کانی خراب به‌کاره‌ینانی ماده هو‌شبه‌ره‌کان له پارزنگای سلیمان

3. Terry, OMally & Johnston

جنسیت تفاوت معنی داری نشان داد به طوری که مصرف کنندگان مرد بیشتر دلایل اجتماعی، تفریحی و تاثیر دارویی را ذکر کردند، در مقابل مصرف کنندگان زن بیشتر کنار آمدن با احساس منفی و هم چنین نیازهای جسمانی را دلیل مصرف مواد بیان کرده اند.

یافته های پژوهش والیک و همکاران^۱ (۲۰۰۷) نشان می دهد که شرکت در فعالیت های مذهبی، ارتباط منفی با استفاده از مواد مخدر در جوانان دارد. به طوری که جوانانی که در مراسم مذهبی به طور منظم حضور داشتند، حدود کمتری احتمال دارد که به استفاده از مواد مخدر روی بیاورند نسبت به کسانی که در این مراسم حضور نداشتند (باهر و هافمن^۲، ۲۰۰۸).

درزمینه «ارتباط آشفتگی خانواده و مصرف مواد مخدر» نیز فارو و برسینگ^۳ (۱۹۹۰) بر روی ۳۴۳ نوجوان دست به انجام یک تحقیق زدند. در نتیجه این پژوهش مشخص شد که کسانی که به مصرف زیاد الکل و مواد مخدر می پرداختند، اغلب دارای خانواده هایی بازمینه آشفته بودند.

مروری بر ادبیات تحقیق

در این جا به چندین نظریه که به طور کلی می تواند تبیین کننده ی اعتیاد به مواد مخدر در جامعه ی کردستان عراق (سلیمانیه) باشد به خصوص با توجه به اعتیاد در میان جوانان اشاره شده است.

نظریه های خرده فرهنگ: نظریه های خرده فرهنگی به تبیین این که چگونه مردم با زندگی در محلات بی سازمان نسبت به انزوای اجتماعی و محرومیت اقتصادی واکنش نشان می دهند، پرداخته اند (مبارکی، ۱۳۸۳: ۳۳).

این نظریه ها بر بزهکاری جوانان متمرکز شده و در یک تحلیل جامعه شناختی، بزهکاری جوانان را بر حسب ویژگی های خرده فرهنگی آن ها مانند ارزش ها، باورها، عادات و شیوه های زندگی مورد بررسی قرار می دهد. از جمله کوهن^۴ (۱۹۵۵)، کلوارد^۵ و اوهلین^۶ (۱۹۶۰)، ماتزا^۷ (۱۹۶۴) و میلر^۸ (۱۹۷۵) معتقدند که توجه به خرده فرهنگ ها در تبیین بزهکاری جوانان از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا جوامع مدرن با خرده فرهنگ های متفاوت ساخته شده اند و رفتاری که در یک جایگاه خرده فرهنگی خاص به عنوان رفتار بهنجار شناخته شده است، ممکن است در جایگاه خرده فرهنگی دیگر به عنوان رفتار انحرافی در نظر گرفته شود (احمدی، ۱۳۷۷: ۷۷).

نظریه های یادگیری اجتماعی: نظریه های یادگیری اجتماعی در تبیین سوء مصرف مواد علاوه بر عوامل شناختی و عاطفی، عمدتاً بر عوامل اجتماعی و بین فردی تاکید می کنند. این نظریه ها معتقدند

1. Wallace
2. Bahe& Hoffmann
3. Farrow&Brissing
4. Cohen
5. Cloward
6. Ohline
7. Matza
8. Miller

که جوانان باورهای خود در مورد رفتارهای بزهکارانه را از الگوهای نقش، به‌ویژه از دوستان نزدیک و والدین خود کسب می‌کنند. همانند نظریات شناختی-عاطفی، نظریه‌های یادگیری اجتماعی نیز معتقدند که نگرش‌های فرد در مورد مواد، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده سوءمصرف مواد در جوانان است (پترس، فلاوی و میلر، ۱۹۹۵). نظریه‌های یادگیری اجتماعی-شناخت بندورا (۱۹۸۶) در مورد مصرف مواد در جوانان معتقد است که جوان باورهای خود را در مورد سوءمصرف مواد الگوهای نقش، خصوصاً دوستان نزدیک و والدین مصرف‌کننده مواد مخدر کسب می‌کند. بندورا معتقد است که الگوهای نقش می‌توانند خودکارآمدی مصرف و امتناع را به‌وجود آورند.

نظریه‌های تعلق اجتماعی: همانند نظریه‌های یادگیری اجتماعی، نظریه کنترل اجتماعی (هیرشی^۱، ۲۰۰۱) فرض می‌کند که تعلق عاطفی به همسالانی که مواد مصرف می‌کنند، علت سوءمصرف مواد است. ولی برخلاف نظریه‌های یادگیری اجتماعی، این دیدگاه بر علل این تعلق و دل‌بستگی به‌ویژه، پیوند تعهد ضعیف به اجتماع، نهادها و افرادی که دوری از رفتارهای انحرافی را تشویق می‌کند، تأکید می‌نماید این نظریه، بیشتر بر اساس نظریه‌های جامعه‌شناسی کلاسیک کنترل استوار است که فرض می‌کنند رفتارهای انحرافی در اکثر مردم وجود دارد، ولی پیوندهای قوی فرد با اجتماع، خانواده، مدرسه و مذهب آن را کنترل می‌کند. جوانانی که پیوند و تعلق آن‌ها به قواعد و رسوم اجتماعی ضعیف است، فشار زیادی برای پیروی از معیارهای مرسوم رفتاری احساس نمی‌کنند.

نظریه‌های تعامل خانواده: بروک^۲ و همکاران (۱۹۹۰) نظریه پیچیده‌ای را توصیف می‌کنند که در آن دل‌بستگی عاطفی به والدین، یادگیری‌های اجتماعی و ویژگی‌های درون فردی جوان، به‌طور مستقیم بر مصرف مواد اثر می‌گذارند. پایه و اساس نظریه تعامل خانواده «ارتباط و پیوند قوی عاطفی بین والدین و کودک» به‌ویژه ارتباط مادر کودک است. براساس این دیدگاه، فقدان حمایت والدین و نظارت آن‌ها، منجر به پیوند خانوادگی ضعیف، مشکلات شخصیتی، ارتباط با همسالان مصرف‌کننده مواد و مصرف مواد می‌شود. هم‌چنین این نظریه بیش از سایر نظریه‌ها، در مورد تأثیر ویژگی‌ها و خصیصه‌های روانی کودکان و جوانان بر مصرف مواد تأکید دارند.

نظریه‌ی گروه همسالان: اوتینگ و بیوایس (۱۹۸۷، ۱۹۸۶) نظریه‌ای را مطرح کرده‌اند که برخی از مسائل و مفاهیم نظریه‌ی رفتار مشکل‌ساز جسر و همکارانش (۱۹۹۱) را نیز برمی‌گیرد. نظریه گروه دوستان فرض می‌کند «تنها متغیر منفرد و برجسته در مصرف مواد در جوانان، تأثیر همسالان است که جوانان آن‌ها را برای ارتباط خود انتخاب کرده‌اند. استفاده از مواد، تقریباً همیشه به‌طور مستقیم به ارتباط همسالان مربوط است». در این دیدگاه سایر عوامل به‌طور غیرمستقیم و از طریق نقشی که در ارتباط جوان با همسالان مصرف‌کننده مواد ایفا می‌کنند، بر مصرف مواد تأثیر می‌گذارند (اوتینگ و بیوایس، ۱۹۸۷). فرض بنیادین این دیدگاه آن است که مصرف مواد در جوانی، یک فعالیت گروهی

1. Hirschi
2. Brook

است که در بافت اجتماعی گروه دوستان صورت می‌گیرد. اوتینگ و بیوویس (۱۹۸۶) در مطالعه‌ای به بررسی ویژگی‌های روانی/اجتماعی مرتبط با مصرف مواد پرداختند و دریافتند که تشویق همسالان به مصرف مواد بیشترین رابطه مثبت و بازداری همسالان، بیشترین رابطه منفی با مصرف مواد دارند. **نظریه کنترل اجتماعی**: براساس نظریه کنترل اجتماعی، کجروان خیلی کم جامعه‌پذیر شده‌اند و خانواده واحد اصلی جامعه‌پذیرکردن آن‌هاست. بنابراین هم از نظر روانشناختی و هم جامعه‌شناختی، کنترل درونی، متأثر از خانواده است (هیرشیل^۱ به نقل از ابادینسکی، ۱۳۸۲: ۳۳). بدین معنا که معاشرت جوانان با مواد مخدر یا هر جرم دیگر، همبستگی شدیدی با بیگانگی از خانواده دارد (برونشتاین و دیگران^۲، ۱۹۹۹: ۱۰)، عاملی که می‌تواند با حضور یا عدم حضور کنترل بیرونی، تقویت یا تضعیف شود (ابادینسکی، ۱۳۸۲: ۳۳).

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع تفسیری بوده و با استفاده از روش کیفی انجام شده است. روش تحقیق پدیدارشناسی در این مطالعه مورد استفاده واقع گردیده است. در زبان جامعه‌شناسی، پدیدار، یک واقعیت اجتماعی است، به هر شکل و صورت که باشد و صرفاً با توجه به مسلم‌بودنش برای همگان و عینی بودنش اطلاق می‌شود. از نظر هوسرل پدیده یعنی آن چیزی که پدیدار و آشکار و هویدا می‌شود. آن چیزی که آشکار می‌شود را «نمود» یا «پدیده» می‌خوانند. «بود» آن چیزی است که باید از پیش‌روی محقق کنار زده شود تا نمود یا پدیده پدیدار گردد. هوسرل «بود» را طبیعی می‌دانست و پدیده را باطن شیء و پژوهش، کنار زدن خصوصیات طبیعی و عادی و رسیدن به شیء آن‌گونه که هست نه بسانی که ما تصور کرده‌ایم (هولشتاین، ۱۳۸۴: ۷۲). پدیدارشناسی اعتیاد، توصیف و تحلیل اعتیاد در زندگی روزمره و دنیای زندگی است و حالاتی از آگاهی که با آن ملازمه دارد. پدیده‌ی اعتیاد در کردستان عراق با توجه به بسترها و زمینه‌های بسیار متفاوت آن و نیز تجربه‌ی زیسته‌ی مردم این منطقه، پدیده‌ای است که لازم است توسط خود جوانان مورد بیان و تفسیر واقع گردد، این‌که چگونه آن‌را تجربه کرده‌اند و چگونه آن را بیان دارند، از این‌رو روش‌شناسی پدیدارشناسانه می‌تواند با هدف تحقیق هم‌سو و هم‌جهت واقع گردد.

پدیدارشناسی نه‌تنها به پیچیدگی، عمق، تعدد ابعاد، ذهنیت و بالاخره کیفیت اعتیاد به مثابه‌ی پدیده‌ای اجتماعی توجه دارد، بلکه فهم جوامع یا گروه‌های مورد مطالعه را نیز ضروری می‌داند. محققان در این پژوهش با انجام مصاحبه‌ی عمیق با مصاحبه‌شوندگان و ارائه‌ی سوالاتی صرفاً در جهت بازگو نمودن زندگی خویش و کنارزدن «بود»ها برای رسیدن به «پدیده»ها و «نمود»ها اقدام نموده است و

1. Hirschi
2. Brounstein

سعی در جهت‌دادن به بیانات مصاحبه‌شوندگان نداشته‌اند. محققان با برگزیدن این روش در واقع به-دنبال نحوه‌ی تفسیر خود جوانان معتاد از مقوله‌ی اعتیاد، به‌دور از تفاسیری که توسط دیگران می‌شود بوده‌اند.

برابر با آمار منتشره از فرماندهی پلیس و مرکز بازپروری بزرگسالان استان سلیمانیه، تعداد معتادان شهر سلیمانیه در سال ۲۰۱۷، ۷۵۹ نفر بوده است. شایان ذکر است که از این افراد، تعداد زیادی صرفاً دستگیر شده و بعد از مدتی بنا به‌قید وثیقه و یا پایان دوره‌ی محکومیت آزاد گشته‌اند. تعداد افراد محکوم که در حال حاضر در زندان به‌سر می‌برند شامل ۳۱۵ نفر می‌باشند که از این تعداد ۱۲۵ نفر در سنین بین ۱۸ تا ۳۰ سال (جوان) قرار دارند که صرفاً ۵ نفر از آنان زن می‌باشد.

نحوه‌ی انتخاب گروه مطالعه

سوژه‌های این پژوهش به این صورت برگزیده شده که ابتدا محقق تمامی زندان‌های در بردارنده معتادین شهر سلیمانیه را مشخص نموده، سپس از میان معتادین به مواد مخدر در این زندان‌ها، تعداد زندانیان جوان را مشخص کرده و سرانجام از میان این زندانیان به انتخاب موارد مطالعه برای مصاحبه پرداخته است. در شهر سلیمانیه دو زندان در رابطه با معتادین مواد مخدر وجود دارد. زندان «معسگر سلام» و بازپروری جوانان و بزرگسالان استان سلیمانیه. محقق به انتخاب مصاحبه‌شوندگان از هر دو زندان پرداخته است. بعد از انجام تقریباً دوازده مصاحبه، مصاحبه‌ها به تکرار مکررات نزدیک‌تر شده و با انجام ۱۵ مصاحبه، این روند کاملاً مشهود گردید، از این‌رو محقق تعداد ۱۵ مصاحبه را در این مرحله بسنده دانست.

برای گردآوری داده‌ها در این پژوهش از دو تکنیک مصاحبه‌ی نیمه‌استاندارد^۱ و مصاحبه‌ی مسئله-محور^۲ استفاده شد. علاوه‌بر استفاده از مصاحبه‌های فوق‌الذکر، از یک پرسشنامه‌ی جمعیت‌شناختی برای گردآوری اطلاعات توصیفی در مورد پاسخگویان نیز استفاده شد.

تفسیر و تحلیل داده‌ها

برای تفسیر و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی^۳ استفاده شد. «تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست» (هسیو و شانون^۴، ۲۰۰۵). تحلیل محتوای کیفی هم‌سو با روش پدیدارشناسی، به محققان اجازه می‌دهد اصالت و حقیقت داده‌ها را به‌گونه‌ی ذهنی، ولی با روش علمی تفسیر کنند. عینیت نتایج به‌وسیله وجود یک فرایند کدبندی

1. Semi-Standardized Interview
2. The Problem-Centered Interview
3. Qualitative Content Analysis
4. Hsiu & Shanon

نظام‌مند تضمین می‌شود. در بستر روش پدیدارشناسی، تحلیل محتوای کیفی به فراسویی از کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و تم‌ها یا الگوهای را که آشکار یا پنهان هستند به صورت محتوای آشکار می‌آزماید (ایمان، نوشادی، ۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی خود نیز دارای تکنیک‌هایی می‌باشد: تحلیل محتوای تلخیصی، ساختاریبخش و تفسیری. آن چه که در این پژوهش مورد استفاده واقع می‌شود، در واقع تحلیل محتوای تلخیصی می‌باشد. در خلاصه تحلیل محتوا، داده‌ها بازگویی می‌شوند، به این معنا که گزاره‌هایی که ارتباط چندانی به پرسش تحقیق ندارند حذف می‌شوند و یا این که آن‌هایی که معنای مشابهی با سایر عبارات دارند کنار گذاشته می‌شوند (تلخیص اول) و گزاره‌های مشابه دسته‌بندی و خلاصه می‌شوند (تلخیص دوم) (فلیک، ۱۳۸۸: ۳۴۸). بعد از مراحل تلخیص و سپس مقوله‌بندی و گروه‌بندی، با ارائه‌ی جدولی در رابطه با تعداد مقوله‌های دریافت شده از طریق تحلیل محتوا، به تحلیل مقوله‌ها پرداخته می‌شود.

نتایج

با توجه به انجام مصاحبه با مصاحبه‌شوندگان جوان معتاد در زندان‌های «معسگر سلام» و نیز بازپروری استان سلیمانیه، در قالب پرسش‌های تنظیم‌شده در متن مصاحبه، ابتدا به پیاده‌سازی مصاحبه‌های انجام‌شده از روی فایل‌های صوتی مصاحبه بر روی کاغذ پرداخته^۱، به کدگذاری متن مصاحبه‌های انجام‌شده پرداخته و سپس با دسته‌بندی کدهای بدست‌آمده در هر سوال و نیز هر یک از مصاحبه‌شوندگان، کدهای تکراری در هر سوال حذف گردیده و در انتها جدولی با تعداد کدهای بدست آمده برای هر یک از سوالات و هر یک از مصاحبه‌شوندگان ارائه شده است. در مرحله بعدی با توجه به فراوانی کدهای بدست آمده، به مقوله‌بندی این کدها پرداخته شده است. با توجه به مقولات بدست آمده، محققان با اشاره به ابزار تحلیل داده‌ها (تحلیل محتوای کیفی)، به تفسیر این مقوله‌ها پرداخته‌اند. در واقع محققان با دسته‌بندی کدهای دریافتی از مصاحبه‌شوندگان و زیرمجموعه قراردادن آن‌ها در چندین مفهوم کلی، فرآیند مقوله‌بندی را انجام دادند که با توجه به کدهای دریافتی به استخراج و تعیین ۶ مقوله اقدام نمودند.

۱. از آن جایی که مصاحبه در کردستان عراق و با نمونه‌های آماری کورد زبان صورت گرفته، این مصاحبه‌ها به زبان فارسی برگردانده شده است.

جدول شماره ۱: کدهای استخراج‌شده از مصاحبه‌ها و مقولات تعیین‌شده

ردیف	مقوله	کدهای مقوله
۱	خانواده‌ی نابسامان و خویشاوندان	جدایی پدر و مادر/ زندگی با اقوام/ سوءرفتار پدر/ پدر سیگاری/ فامیل معتاد/ فامیل گمراه‌کننده/ مشکل فامیلی/ بی‌مسئولیتی و عدم توجه پدر/ مرگ همسر/ توجه زیاد والدین/ برادر مشروبی / برادر سیگاری/ استعمال سیگار و خوردن مشروب نزد خانواده/ دوری از خانواده/ عدم حمایت خانواده/ خانواده‌ی بد/ از هم‌پاشیدگی خانوادگی/ خانواده‌ی بی‌مسئولیت/ عدم مسئولیت و توجه خانواده/ شغل پدر و وضعیت اجتماعی/ عدم دلسوزی خانواده/ عدم اطلاع‌رسانی توسط خانواده و دیگران
۲	آوارگی و مهاجرت	دوری از کشور/ آشنایی با کردستان ایران/ آوارگی در کشور دیگر (ترکیه)/ ایرانی-ها/ انتظار/ آوارگی/ جنگ داخلی بین احزاب کردی / مهاجرت غیر قانونی/ شیمیایی حلبجه / انفال/ حمله‌ی صدام به کردستان/ جنگ ایران و عراق
۳	وضعیت اقتصادی نامناسب	کار برای امرار معاش/ دزدی/ قاچاق کالا در مرز/ کسب پول زیاد/ خرید و فروش/ پول زیاد/ کارگری/ وضعیت نامناسب اقتصادی/ فقر/ وضعیت مالی نامناسب/ ایجاد شرایط کار مناسب/ رسیدگی حکومت به وضعیت اقتصادی مردم/ ایجاد شرایط زندگی با کیفیت
۴	ناآگاهی و سهل-انگاری نسبت به مواد مخدر و عدم اطلاع‌رسانی حکومت	نا آگاهی/ برای کاهش وزن زیاد/ فریب خوردگی توسط دوستان/ عدم آگاهی نسبت به مواد مخدر/ عدم اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌ها/ عدم آگاهی از تاثیرات قرص‌های مخدر/ عدم اطلاع‌رسانی توسط خانواده و دیگران/ حس کنجکاوی الکی/ ناآگاهی نسبت به مواد مخدر/ تصورات غلط در مورد تاثیرگذاری جنسی مواد مخدر/ عدم اطلاع‌رسانی/ توجه و آگاهی از زیان‌ها و مضرات تریاک و قرص-های مخدر/ اطلاع‌رسانی حکومت/ کنجکاوی نکردن در مورد قرص‌های مخدر/ نصب تابلوهای اطلاع‌رسانی از جانب حکومت در مرزها در مورد مواد مخدر
۵	شیوع سیگار و مشروبات الکلی	پدر سیگاری/ سیگار/ کشیدن سیگار / مشروبات الکلی/ پدر مشروبی/ نوشیدن مشروبات سیگار از دوران بچگی/ کشیدن قلیان/ دوستان مشروبی/ برادر مشروبی/ دیسکو/ استعمال سیگار/ خوردن مشروب نزد خانواده
۶	دوستان ناباب	همکلاسی معتاد/ تعارف از طرف کارفرما/ دوست دوران بچگی/ نامردی دوستان/ دوستان ناباب/ دوستان/ فامیل گمراه‌کننده/ فامیل معتاد/ مشکل فامیلی/ فریب-خوردگی توسط دوستان/ دوستان مشروبی

خانواده‌ی نابسامان و خویشاوندان

یکی از مقوله‌های استخراج‌شده از کدهای مصاحبه‌ها، مقوله‌ی خانواده‌ی نابسامان می‌باشد. خانواده نابسامان از پیامدهای آنومی اجتماعی در خانواده است. یکی از پیامدهای خانواده‌ی نابسامان و از هم‌گسیخته، خشونت علیه فرزندان، دخالت در امور خصوصی جوانان و اعمال فشارهای روحی و روانی بر آنان می‌باشد. از میان ۱۵ مصاحبه‌شونده، تعداد ۶ مصاحبه‌شونده دارای مشکلات حاد خانوادگی

بودند، به صورتی که یکی از عوامل عمده‌ی گرایش به سوءمصرف مواد مخدر را مشکلات خانوادگی اعلام کرده‌اند. از میان این تعداد ۲ مورد والدین از هم جدا شده بودند. ۳ مورد هم خشونت بسیار زیاد پدر و نیز بی‌توجهی مادر را از عوامل اعتیاد خود ذکر کرده‌اند. یک مورد نیز توجه زیاد والدین به خود را دلیل اصلی اعتیاد خویش بیان کرده است (تک پسر بوده است)، «آمانچ» یکی از مصاحبه‌شوندگان چنین بیان می‌دارد:

«پدر و مادر من زمانی که من بچه بودم از هم جدا شدند و من از آن زمان به بعد نزد خاله‌ام زندگی می‌کنم... مادرم شوهر کرد و من هم پیش خاله‌ام رفتم... به نظر من خانواده‌ی بد بیشترین دلیل و علت معتاد شدن جوانان می‌باشد. از هم‌پاشیدگی خانواده خیلی مهم است... من پدر و مادرم را عامل اصلی معتاد شدن خودم می‌دانم» (آمانچ)

«شادمان» مصاحبه‌شونده‌ی دیگر نیز می‌گوید:

«پدرم با من خیلی بد رفتار می‌کرد و من هم به‌همین دلیل دو سال پیش همراه دو نفر از دوستانم برای خارج رفتن به ترکیه رفتم... پدرم همیشه مرا کتک می‌زد و بدون هرگونه دلیلی همین رابطه را با سایر اعضای خانواده‌ام داشت...» (شادمان)

از مهم‌ترین آسیب‌هایی که در جامعه از پیامد خانواده گسسته بوجود می‌آید، خشونت در خانواده است. در خانواده‌ای که والدین به حفظ ثبات اجتماعی خانواده اهمیت ندهند، بی‌نظمی در بین اعضای خانواده حاکم باشد و اعضای خانواده تمایل به این داشته باشند که بر سایر اعضا سلطه و قدرت نمایی کنند و دیگران به فرامین او توجه نمایند، به نوعی خشونت خانوادگی شکل می‌گیرد.

در کردستان عراق به دلیل وجود سابقه‌ی طولانی جنگ‌های داخلی (بین احزاب کردی) و نیز جنگ‌های احزاب کردی با حکومت مرکزی عراق چه در دوران صدام حسین و چه در دوران عبدالکریم قاسم، خانواده‌ها دائماً در حال کوچ‌های اجباری و ترک دیار خود به سوی شهرهای دیگر، بیابان‌های مرگ و یا کشورهای دیگر بوده‌اند. در دوران اخیر (صدام حسین) آوارگی ناشی از بمباران‌های حکومت بعث بر سر مردم کردستان و نیز از سوی دیگر جنگ‌های داخلی بین احزاب کردی، می‌تواند به‌عنوان یکی از دلایل عمده‌ی از هم‌پاشیدگی ساختار خانواده‌ها بوده باشد به صورتی که بسیاری از سرپرستان خانواده‌های کرد (عمدتاً پدرها) در این میان کشته شده‌اند و از جانب دیگر به‌علت نبود شبکه‌ی تامین اجتماعی منسجم از جانب دولت و یا سازمان‌های غیردولتی، زنان این خانواده‌ها بناچار برای تامین معاش خود و فرزندان به ازدواج مجدد اقدام می‌کرده‌اند. از سوی دیگر، وجود کلیشه‌هایی مانند ناپدری و نامادری، خود به‌عنوان مقوله‌هایی مسئله‌ساز سبب نا بسامانی در روابط اعضای خانواده می‌گشته‌اند.

آوارگی و مهاجرت

دیگر مقوله‌ی بدست‌آمده از مصاحبه‌ها که دارای یکی از فراوان‌ترین کدها می‌باشد، مقوله‌ی آوارگی و مهاجرت می‌باشد. از میان ۱۵ مصاحبه‌شونده، ۶ نفر دارای تجربه‌ی آوارگی و مهاجرت بوده‌اند، از این میان، ۳ نفر به مهاجرت به اروپا به دلیل اوضاع نابسامان کردستان از لحاظ اقتصادی و معیشتی و

نیز جنگ داخلی احزاب کردی و جنگ حکومت رژیم بعث، اقدام کرده‌اند و از این میان، هر سه نفر، عمده‌ترین عامل اعتیاد خود را تأثیرات مهاجرت بیان کرده‌اند.

«ابتدای آشنایی من با مواد مخدر در واقع در انگلستان بوده است. در سال ۲۰۰۳، یعنی زمانی که ۱۳ ساله بودم، قصد مهاجرت به انگلیس را داشتم از این‌رو مقداری پول که پدرم در خانه گذاشته بود را برداشتم (دزدیدم) و با چند نفر از دوستانم به‌صورت قاچاقی از طریق ترکیه خود را به سختی به انگلیس رساندیم... علت اصلی گرایش من به مواد مخدر به راستی دوری از خانواده و غربت بود... معتقدم که یکی از عوامل اصلی گرایش جوانان به مواد مخدر دوری از خانواده و خاک و وطن است» (احمد).

۳ نفر دیگر نیز آوارگی و آشنایی با فرهنگ ایران را به‌عنوان عوامل گرایش و آشنایی با مواد مخدر ذکر کرده‌اند. بیش از سه دهه جنگ در عراق، بیشترین مردم این سرزمین به خصوص نسل جوان این کشور را تحت تأثیر خویش قرار دارد. آوارگی مردم کردستان عراق، به نسبت سایر مردمان منطقه، در گذشته بسیار چشمگیر و قابل مشاهده بوده است به‌صورتی که هزار چندگاهی که صدام حسین حاکم دیکتاتور عراق قصد حمله و بمباران کردستان عراق را داشته است، تعداد بسیاری از مردمان این منطقه در شرایط بسیار نامساعد اقتصادی و اجتماعی به کوچ‌های اجباری و نیز مهاجرت-های غیرقانونی برای گریز از مرگ و شکنجه و نیز نجات‌جان خود و خانواده، به کشورهای همسایه و یا کشورهای اروپایی اقدام می‌کردند. از اصلی‌ترین کشورهای که بیشترین جمعیت آوارگان عراقی را در خود جای داد ایران می‌باشد. کشور ایران به دلیل قرابت فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی مشترک با مردمان کرد و نیز هم‌جواری جغرافیایی و وجود کردستان ایران با مرز طولانی با کردستان عراق و کشور عراق، همواره به‌عنوان یکی از مامن‌های مردم کرد در خلال حملات و کشتارهای صدام حسین و رژیم بعث بوده است، به‌طوری که بسیاری از مردم کردستان عراق به‌خصوص استان‌های سلیمانیه و حلبچه، تجربه‌ی زندگی در شهرها و یا اردوگاه‌های آوارگی در ایران را داشته‌اند. تا همین اواخر - سال ۲۰۰۴ و بعد از فروپاشی رژیم بعث و آزادی کردستان عراق- این آوارگان در این کمپ‌ها به زندگی و کار، مشغول بوده‌اند. لازم به ذکر است غالب ساکنین این کمپ‌ها از اهالی استان حلبچه بوده‌اند. این تجربه‌ی آوارگی، سبب گردید که از یک‌سو خرده فرهنگ‌های مختلف و گاه‌ها ناهمگون بنابه شرایط ناخواسته و اجباری و نیز بسیار سخت از لحاظ معیشتی و فرهنگی، با هم ارتباط یافته و از سوی دیگر سبب برخورد با فرهنگ مردم ایران که غالباً نیز کرد بوده‌اند شد:

«اهل شهر حلبچه می‌باشم و در سال ۱۹۸۸ که شهرم توسط صدام بمباران شد خانواده‌ام به کردستان ایران مهاجرت کردند و من نیز سال ۱۹۸۹ در کردستان ایران به دنیا آمدم... در واقع محل زندگی ما در یک اردوگاه بود که مخصوصاً برای آوارگان عراقی درست کرده بودند... همکلاسی‌های ایرانی‌م با خودشان مقداری تریاک آورده بودند. برای اولین بار تجربه‌ی کشیدن مواد مخدر را با آن‌ها داشتم. آن‌ها اصرار کردند که من بکشم، من کشیدم» (محمد).

تجربه‌ی مهاجرت و آوارگی مردم کرد کردستان عراق، در واقع تجربه‌ای دوگانه بوده است. از یک سو فرار از چنگال مرگ که همیشه سایه‌اش در منطقه وجود داشته است و از سوی دیگر، ایجاد ارتباط و برقراری معیشت در شرایطی که خود مردم ایران و کردستان ایران نیز به سختی گذران

معیشت داشتند. لازم به ذکر است که مردم کردستان ایران و نیز استان کرمانشاه، با استقبال و همکاری به کمک مهاجرین و آوارگان شتافتند. از این رو بعد از آزادی کردستان عراق از زیر یوغ حکومت بعث، مردم کردستان ایران و نیز استان کرمانشاه با ایجاد شرایط کاری مناسب به این منطقه رهسپار گردیدند. این خود سبب گردید که عده‌ای از افراد سوداگر مواد نیز بدین طریق به قاچاق مواد مخدر به کردستان عراق و عراق اقدام نمایند. از این رو تعدادی از مصاحبه‌شوندگان، رفت و آمدهای مردم ایران به کردستان عراق را یکی از عوامل آشنایی و شیوع مواد مخدر در کردستان عراق دانسته‌اند.

وضعیت اقتصادی نامناسب

از دیگر مقوله‌های استخراج تدوین‌شده از کدهای مصاحبه‌ها، وضعیت اقتصادی نامناسب می‌باشد. خلال مصاحبه با مصاحبه‌شوندگان، به‌طور مکرر به وضعیت اقتصادی نامناسب خود و خانواده‌شان اذعان می‌کردند.

با توجه به مصاحبه‌های انجام‌شده، می‌توان از دو منظر در رابطه با مواد مخدر و وضعیت اقتصادی نامناسب، به‌طور خاص در کردستان و به‌طور عام در هر جامعه‌ای نگریست. از یک سو، وضعیت اقتصادی نامناسب و وجود موانع بسیار زیاد در روند گذران معیشت به‌شیوه‌ای درست و در دسترس، باعث بروز مشکلات روحی و روانی بسیاری برای مردم کردستان عراق، چه در مهاجرت و آوارگی و چه در سرزمین خودشان گردید. در آوارگی، این مردمان با اتکا به نیروی فیزیکی خویش به انجام کارهای سخت و دشواری می‌پرداختند. از جمله فعالیت‌های شغلی که بسیار زیاد در میان آوارگان کردستان عراق در ایران و کردستان ایران رواج داشته، کارگری ساده بوده است.

باید در نظر داشت که کارگری و انجام فعالیت‌های سخت و سنگین بدنی تنها منحصر به ایران نبوده است بلکه در خود کردستان عراق و عراق نیز به‌دلیل شرایط نامساعد اقتصادی و فساد اقتصادی در این کشور، کودکان، نوجوانان و جوانان به انجام این فعالیت‌ها اقدام کرده‌اند. فقر و تحریم اقتصادی در عراق و در کردستان عراق، در سال‌های ۱۹۹۰، سبب گشته بود که خانواده‌ها فرزندان خویش را جهت بدست آوردن پول برای گذران حداقلی معیشت خانوار به بیرون از خانه گسیل دارند. فعالیت‌های سنگین بدنی و کارگری در کوره‌های آجرپزی و نیز موزائیک‌سازی، هم‌چنین فعالیت‌های سخت در مزارع از جمله چیدن نخود و سیفی‌جات در گرمای تابستان و تحت مراقبت کارفرماها، موجب فرسودگی روحی و روانی و جسمی این کودکان و نوجوان می‌گردید. البته با بوجود آمدن شرایط متناسب اقتصادی در سال‌های اخیر، این میزان از فعالیت‌های کودکان و نوجوانان و جوانان کمتر گشته است اما تعداد زیادی نیز در اثر فعالیت‌های سنگین بدنی در گذشته و در کردستان ایران و یا عراق برای تسکین دردهای روحی و جسمی خویش به مواد مخدر (اکثراً تریاک و ترامادول) پناه برده‌اند. وجود نگرش‌های نادرست در مورد قدرت تسکین‌دهنده‌ی مواد مخدر بدون عوارض و نیز عدم

وجود تاثیرات بعدی، سبب گردید که بسیاری از این نوجوانان و جوانان به این مواد و قرص‌ها پناه ببرند.

از سوی دیگر با توجه به ترانزیتی شدن منطقه‌ی کردستان عراق و ورود و خروج کالاهای بسیار زیاد از کشورهای دور و نزدیک، مواد مخدر نیز یکی از مواد قاچاقی می‌باشد که معمولاً نیز از طرف مرز ایران به سمت مرز ترکیه و اروپا در حال جریان می‌باشد. سود زیاد خرید و فروش مواد مخدر در کردستان عراق، سبب شده است که تعدادی از جوانان این منطقه به علت تجربه‌ی فقر بسیار زیاد و نیز عدم آگاهی از قوانین سخت و جدی در این باره از جانب حکومت، به تجارت و خرید و فروش مواد مخدر- هر چند به صورت خرده‌پا و خرده‌فروش- اقدام نمایند:

«می‌خواستم برای گذران زندگی‌ام مقداری پول بدست بیاورم به‌همین خاطر به‌همراه یک استاد بنا به سر کار می‌رفتم... به علت سنگینی کار دچار کمر درد شدیدی شده بودم و استاد هم متوجه شده بود به‌همین دلیل گفتم که من قرصی به‌همراه دارم که در صورت خوردن آن حالت خوب می‌شود. من هم یکی از قرص‌های او را که به من داده بود خوردم. روزی که قرص را خوردم، فردایش خیلی خوب کار کردم. من هم فردا دوباره از او خواستم که یکی دیگر از قرص‌هایش را به من بدهد» (آمانج).

از میان ۱۵ مصاحبه‌شونده، ۹ نفر از مصاحبه‌شوندگان دارای وضعیت اقتصادی نامناسب بوده، ۲ نفر دارای وضعیت اقتصادی تا حدودی خوب و ۴ نفر باقی‌مانده نیز از وضعیت اقتصادی مناسبی بر خوردار بوده‌اند. البته شایان ذکر می‌باشد که این وضعیت اقتصادی در حال حاضر این مصاحبه‌شوندگان می‌باشد و تا چندین سال قبل این افراد که از وضعیت اقتصادی مناسب و یا تا حدودی مناسب خویش گفته‌اند، شرایط اقتصادی سختی را تجربه کرده‌اند.

ناآگاهی و سهل‌انگاری نسبت به اثرات مواد مخدر و عدم اطلاع‌رسانی حکومت

در حین مصاحبه، بسیاری از مصاحبه‌شوندگان دلیل اصلی خویش را برای ناآگاهی در مورد تاثیرات و محکومیت مواد مخدر را متوجه خانواده، حکومت و رسانه می‌دانستند. در میان ۱۵ مصاحبه‌شونده، تعداد ۶ مورد به عدم آگاهی از اثرات مواد مخدر و تاثیرات آن و نیز ۳ مورد به عدم اطلاع‌رسانی از طرف حکومت اشاره داشته‌اند. در واقع عدم اطلاع‌رسانی حکومت در کردستان عراق^۱ از یک سو، پخش برنامه‌های تلویزیونی و سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی مربوط به سینمای هالیوود، ترکیه، کره و ایران در مورد مواد مخدر، به صورتی که تمام جوانب و مزایای آن را نمایان نمی‌سازد، سبب شده است که تاثیرات نامناسبی را بر جوانان و نوجوانان در رابطه با نگرش آن‌ها به مواد مخدر داشته باشد. ترویج نوشیدن مشروب و نیز کشیدن سیگار در این فیلم‌ها بدون توجه به اثرات آن به‌خوبی قابل مشاهده می‌باشد در حالی که در بسیاری از کشورهایی که برنامه‌ریزی مناسب و صحیح در رابطه با پیشگیری از ترویج مواد مخدر، سیگار و مشروبات الکلی دارند، از بازنمایاندن این موارد در تلویزیون‌های با مخاطب

۱. اغلب شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای در کردستان عراق به صورت حزبی بوده و برنامه‌های این شبکه‌ها به صورت دوبله و پخش برنامه‌های کشورهای همانند آمریکا، ایران، مصر، ترکیه، کره جنوبی و چین می‌باشد.

بالا خودداری می‌شود. تاثیرات رسانه‌ها، بخصوص تلویزیون و ماهواره به این باز می‌گردد که مخاطبان آن‌ها توده‌های مردم می‌باشند. در برخی از سریال‌های کردی این شبکه‌ها (برای نمونه سریال‌های «لانه‌وازان» و «ره‌شهی پولیس») و نیز سریال‌های کره‌ای، افراد مشروب‌خور و تریاکی به‌عنوان افرادی انسان‌دوست، میهن‌پرست و درست‌کار بازنمایانده شده‌اند و ارزش‌های والای انسانی را در کنار استعمال مواد مخدر نشان داده‌اند. این خود می‌تواند سبب ایجاد الگویی برای نوجوانان و جوانان در رابطه با مواد مخدر گردد (هلمت، ۲۰۱۲).

در این باره یکی از مصاحبه‌شوندگان چنین بیان داشته است:

«بعضی فیلم‌ها هم که می‌بینیم تاثیر دارند. وقتی مواد می‌کشند حالشان خیلی خوب می‌شود و ما هم فکر می‌کنیم فقط همین است و دیگر نمی‌دانیم که قبل و بعد آن چه اتفاقی افتاده است» (جعفر).

ناآگاهی در مورد اثرات قرص‌های ترامادول و بایامادول و نیز میزان محکومیت آن، در گرایش جوانان به سمت آن، به‌منظور کاهش درد بدن و نیز سرخوشی‌های لحظه‌ای و حتی تقویت میل جنسی بسیار موثر بوده است، بسیاری از این جوانان در صورت تشخیص اثرات این قرص‌ها با سایر قرص‌های دیگر، از استعمال آن خودداری می‌کردند.

عدم اعلان محکومیت‌های مرتبط با مواد مخدر نیز یکی از دلایلی می‌باشد که جوانان و نوجوانان بدون توجه به عواقب کار خود و نیز تعداد سال‌هایی را که در بهترین و مفیدترین سال‌های زندگی‌شان باید در زندان بمانند، از جانب حکومت و رسانه‌ها، یکی دیگر از مواردی بود که مصاحبه‌شوندگان بیان داشتند که در صورتی که با آن آشنا بودند هرگز به سمت مواد مخدر نمی‌رفتند:

«من اصلاً خبر نداشتم این قرص مخدر است و جرم دارد» (آمانج).

و یا:

«علت اصلی گرایش امثال من به مواد مخدر این است که هیچ‌چیزی در مورد آن نمی‌دانیم. من تا وقتی که زندان نیامده بودم اصلاً چیزی در مورد حکم مواد مخدر نمی‌دانستم. خب این‌ها را باید به ما بگویند» (رابر).

سیگار و مشروبات الکلی

از دیگر مقوله‌های بدست آمده در پژوهش حاضر، شیوع سیگار و مشروبات الکلی در میان مصاحبه‌شوندگان می‌باشد. از ۱۵ نفر مصاحبه‌شونده، ۱۴ مورد از آنان به استعمال سیگار و مشروب قبل از استعمال مواد مخدر اذعان داشته‌اند. تعداد ۱۳ نفر از آنان سابقه‌ی نوشیدن مشروبات الکلی قبل از مواد مخدر و نیز ۱۴ نفر سابقه‌ی کشیدن سیگار قبل از استعمال مواد مخدر را داشته است. در جامعه‌ی کردستان عراق، با وجود این که دین آنان اسلام بوده و نیز بسیاری از مردمان این سرزمین دارای عقاید راسخ و محکم به دین اسلام می‌باشند، اما خرید و فروش و نیز نوشیدن مشروبات الکلی بدون منع قانونی می‌باشد. از این‌رو خرید و فروش مشروبات الکلی و سیگار و نیز ترانزیت و قاچاق آن به ایران بسیار شایع می‌باشد. از سوی دیگر با توجه به این که این منطقه به‌همین دلایل دارای جاذبه‌ی توریستی

می‌باشد (وجود کاباره‌ها، دیسکوها و نیز نوشیدن بدون منع قانونی مشروبات الکلی) لذا سرازیر شدن توریست‌هایی از ایران بدین معضل دامن زده است. در شهرهایی مانند سلیمانیه و هولیر (ارییل) و نیز دهوک، سرو کردن مشروبات الکلی برای میهمان از نشانه‌های احترام به وی می‌باشد؛ اما باید توجه داشت که با این وجود، در تعدادی از شهرهای کردستان عراق مانند حلبجه، خورمال، سیروان و ... با وجود عدم منع قانونی خرید و فروش و نیز نوشیدن مشروبات الکلی، در این شهرها به‌ندرت می‌توان فروشگاه‌ها و یا مکان‌هایی را برای خرید و یا نوشیدن مشروبات الکلی یافت؛ اما در هر صورت از یک سو خرید و فروش و قاچاق مشروبات به ایران و نیز سود هنگفت در آن، از سوی دیگر وجود فرهنگ شایع در نوشیدن مشروبات در خانواده‌ها بدون پروا نشان دادن آن در تلویزیون و هم‌چنین ارزشمند بودن آن - چه در فیلم‌ها و چه در دنیای واقعی - سبب گشته جوانان به شیوه‌ای بسیار قابل توجه به آن روی آورند، زمانی که پدر و یا مادر و یا سایر اعضای خانواده در پیش‌روی فرزندان خود بدون هیچ‌گونه توجهی به اثرات آن به کشیدن سیگار و یا نوشیدن مشروبات الکلی اقدام می‌ورزند، می‌تواند سبب این نگرش در نوجوانان و جوانان گردد که در صورتی که آن‌ها نیز بدین اعمال اقدام نمایند، هیچ‌گونه خطری آن‌ها را تهدید نخواهد کرد (گردانوس، ۲۰۰۶: ۱۳۹).

در سال‌های نه‌چندان دور در کردستان عراق (نزدیک به ۳۰ سال قبل) سیگار کشیدن برای هر سنی، هیچ‌گونه عیب و یا ضد ارزش نبوده است و هرآن‌کس که سیگار نمی‌کشید، او را به‌عنوان فردی جدی قلمداد نمی‌کردند و حتی در مردانگی وی شبهه داشتند (کریم، ۲۰۰۸: ۶۴). با توجه به این و نیز تجربه‌ی زیسته خود محقق در جامعه‌ی کردستان عراق طی دو دهه‌ی گذشته تاکنون با وجود ایجاد نوعی قبح برای کشیدن سیگار در ارتباط با نوجوانان، اما کماکان استعمال آن بسیار شایع بوده و خانواده‌ها نیز در قبال آن حساسیت زیادی نشان نمی‌دهند، وجود پدر و مادر سیگاری و مشروبی در میان مصاحبه‌شوندگان، از متواترترین نقل قول‌ها در جریان بیان زندگی‌نامه‌شان بوده است:

«من قبل از مصرف مواد مخدر سیگار می‌کشیدم و الکل هم می‌خوردم. تقریباً روزی یک‌پاکت سیگار می‌کشیدم. الان هم سیگار می‌کشم. قلیان خیلی نمی‌کشیدم ولی این دو مورد را از خانواده‌ام یاد گرفتم. پدرم سیگار زیادی می‌کشید و دوستانم گاهی اوقات مشروب می‌خوردند. برادر بزرگترم هم مشروب می‌خورد به‌همین خاطر من هم کم‌کم از کودکی با هر دوی این‌ها آشنا شدم و خوردم» (رابر).

اما آن‌چه که جالب توجه می‌باشد، عدم گرایش و استعمال مصاحبه‌شوندگان نسبت به قلیان بوده است به‌صورتی که در میان ۱۵ مصاحبه‌شونده، تنها دو مورد به کشیدن قلیان اذعان داشته‌اند، لازم به‌ذکر می‌باشد که سیگار و مشروبات الکلی در اکثر موارد مورد مصاحبه به صورت توأمان بوده است یعنی افرادی که سیگار می‌کشیده‌اند، غالباً مشروبات الکلی هم مصرف کرده و بالعکس.

دوستان ناباب

مقوله‌ی دیگر که از کدهای مصاحبه تدوین گشته است، مقوله‌ی دوستان ناباب می‌باشد. نکته‌ی قابل توجه این است که در تمامی مصاحبه‌ها، دوستان یا به عنوان اصلی‌ترین عامل گرایش به مواد مخدر ذکر شده‌اند و یا به‌عنوان یکی از عوامل در این جریان نام برده شده‌اند. در میان مصاحبه‌شوندگان، گروه‌های هم‌آلان که از دوران کودکی شکل گرفته‌اند نیز از عوامل تاثیرپذیری از جو دوستانه برای کشیدن سیگار و نیز مشروبات الکلی و متعاقب آن سوءاستعمال مواد مخدر بوده است:

«من به واسطه‌ی یکی از دوستانم با مواد مخدر آشنا شدم. ما از بچگی باهم بودیم و همیشه با یکدیگر سیگار

می‌کشیدیم و مشروب می‌خوردیم. برای اولین بار هم دو سال پیش با هم تریاک کشیدیم» (باوان).

از سوی دیگر، گروه هم‌آلان و دوستان در مدارس نیز در گرایش و استعمال مواد مخدر و نیز قبل از آن، کشیدن سیگار و نوشیدن مشروبات الکلی نقش بسیاری داشته‌اند. «مدرسه بعد از خانواده، به‌عنوان دومین خط پیشگیری از مواد مخدر در میان جوانان و نوجوانان یاد شده است» (مختار، ۲۰۰۵: ۱۸۹). قابل توجه می‌باشد که خطر اعتیاد در مرحله‌ی تحصیل، دارای بستر بیشتری برای جلب نوجوانان می‌باشد، برای مثال در ایالات متحده‌ی آمریکا، دو سوم مصرف‌کنندگان مواد مخدر در سال ۱۹۹۸، در سنین ۱۲ تا ۱۷ سالگی بوده‌اند (دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر، برنامه‌ی بین‌المللی کنترل مواد مخدر سازمان ملل، گزارش جهانی مواد مخدر، ۲۰۱۲)؛ اما از جانب دیگر هم‌جواری محکومین نوجوان و جوان به علت جرم‌هایی نه‌چندان سنگین مانند دعوا و یا تصادفات رانندگی، با مجرمین، قاچاقچیان و معتاران مواد مخدر نیز از عوامل قابل توجه و رسیدگی در راستای آشنایی و نیز گرایش و استعمال نوجوانان و جوانان نسبت به مواد مخدر می‌باشد.

نتیجه‌گیری و بحث

به نظر «شوتس» تفاوت عمده میان علوم اجتماعی و علوم طبیعی در این است که علوم طبیعی به ساخت پدیده‌ها توجه می‌کنند، یعنی دانشمندان علوم طبیعی با مشاهده مستقیم پدیده‌های طبیعی به شناخت آنها نائل می‌آیند، در حالی که در علوم اجتماعی آگاهی از پدیده‌ها در دو مرحله صورت می‌گیرند: برای نخستین بار مردم در تجربه زندگی روزانه و در رابطه با یکدیگر، امور انسانی را تصویر می‌کنند و در جریان میان ذهنیت به نظر مشترکی دست می‌یابند، پس از آن برای بار دوم، آنچه که مردم به تصویر کشیده بودند، موضوع شناخت علمای اجتماعی قرار می‌گیرد (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰). در ۱۵ مصاحبه‌ی انجام‌شده با معتادین زندانی زندان‌های معسکر سلام و بازپروری استان سلیمانیه، بنا بر اظهارات مصاحبه‌شوندگان، گروه‌های تاثیرگذار در گرایش به مواد مخدر آن‌ها بدین شرح بوده‌اند؛ گروه دوستان، خانواده، همکاران و همکلاسی‌ها. در میان این گروه‌ها، دوستان دارای بیشترین اشاره بوده‌اند به‌صورتی که در میان مصاحبه‌شوندگان تعداد ۱۱ نفر از آن‌ها بواسطه‌ی دوستان با مواد آشنا شده و استعمال نموده‌اند. سوءاستعمال مواد مخدر تقریباً همیشه به‌طور مستقیم به ارتباط با همسالان

مربوط بوده است. درواقع سایر عوامل موثر در گرایش جوانان و نوجوانان به مواد مخدر، به‌طور غیرمستقیم و از طریق نقشی که در ارتباط جوان با هم‌آلان مصرف‌کننده مواد ایفا می‌کنند، بر مصرف مواد تأثیر می‌گذارند. یافته‌ها در این‌باره نشان می‌دهد که مصرف مواد مخدر و اغلب تریاک، در جوانانی که درباره آن با دوستان خود صحبت می‌کنند و یا دوستانی دارند که نگرش مثبتی در باره مصرف ترامادول و یا سیگار، حشیش و مشروبات الکلی به آن‌ها پیشنهاد می‌کنند، شایع‌تر است. نظریه گروه دوستان فرض می‌کند «تنها متغییر منفرد و برجسته در مصرف مواد در جوانان، تاثیر همسالان است که جوان‌ها آن‌ها را برای ارتباط خود انتخاب کرده‌اند. استفاده از مواد تقریباً همیشه به‌طور مستقیم به ارتباط همسالان مربوط است». در این دیدگاه سایر عوامل به‌طور غیرمستقیم و از طریق نقشی که در ارتباط جوان با همسالان مصرف‌کننده مواد ایفا می‌کنند، بر مصرف مواد تأثیر می‌گذارند (اوتینگ و بیوویس، ۱۹۸۷). درواقع این نظریه به منظور تبیین رابطه‌ی بین مصرف مواد توسط فرد و مصرف مواد توسط دوستان وی مطرح شد. فرض بنیادین این دیدگاه آن است که مصرف مواد در جوانی، یک فعالیت گروهی است که در بافت اجتماعی گروه دوستان صورت می‌گیرد (اوتینگ و بیوویس، ۱۹۸۶). در نظریه گروه دوستان شرایط خاصی وجود دارد که یک فرد را نسبت به مصرف مواد آسیب‌پذیر می‌کند و یا می‌توان مانع از مصرف مواد شود. بسیاری از این شرایط به محیط زندگی جوانان برمی‌گردد- عواملی نظیر فقر، تحصیلات خانواده، سایر عوامل در درون فرد هستند، برای مثال صفات شخصیتی، نیازها، ارزش‌ها و باورها. تعامل این عوامل اجتماعی و روانی، بستری را بوجود می‌آورد که می‌توان فرد را در برابر مصرف مواد آسیب‌پذیر سازد یا او را در برابر آن‌ها مصون کند.

معمولاً گروه دوستان، گروه کوچک‌تری است که در آن نگرش‌های کاملاً مشخص و رفتارهای مشابه، نشان‌دهنده عضویت فرد است، این گروه‌ها شامل دوستان صمیمی یا روابط متقابل دوتایی می‌شود.

از این‌رو فضای زندان، خود نیز به‌عنوان یکی از محیط‌هایی می‌باشد که افرادی که به خاطر جرم‌هایی غیر از استعمال و یا فروش مواد مخدر مانند دعوا، چاقوکشی، تصادفات رانندگی، مسائل حقوقی و خانوادگی و ... به این محیط وارد گشته، به علت عدم تفکیک زندانیان در بسیاری از زندان‌ها و هم‌جواری آنان با قاچاقچیان و نیز معتادین به مواد مخدر، با این مواد و نحوه‌ی مصرف آن و حتی نحوه‌ی کاشت و به‌عمل آوردن آن آشنا گشته و بعد از بیرون آمدن از زندان، دارای شرایطی مهیا برای روی آوردن به این مواد می‌باشند. این نشان‌دهنده‌ی این است که گروه دوستان درواقع یکی از مهم‌ترین عوامل گرایش جوانان و نوجوانان در استان سلیمانیه به مواد مخدر بوده است. گروه تأثیر گذار دوم، طبق مصاحبه‌های انجام‌شده، خانواده بوده است.

در اینجا لازم به ذکر است که نظریه‌های مربوطه در این زمینه با هم هم پوشانی داشته به‌طوری‌که ملاحظه می‌شود در نتیجه‌ی تعامل نامناسب خانواده، گروه هم‌آلان می‌تواند نقشی بسیار

تعیین کننده در گرایش جوانان به مواد مخدر داشته باشد. از میان ۱۵ مصاحبه شونده، تعداد ۶ مصاحبه شونده دارای مشکلات حاد خانوادگی بوده، به طوری که یکی از عوامل عمده‌ی گرایش به سوء مصرف مواد مخدر را مشکلات خانوادگی اعلام کرده‌اند. از میان این تعداد ۲ مورد والدین از هم جدا شده بودند. ۳ مورد هم خشونت بسیار زیاد پدر و نیز بی توجهی مادر را از عوامل اعتیاد خود ذکر کرده‌اند. یک مورد نیز توجه زیاد والدین به خود را دلیل اصلی اعتیاد خویش بیان کرده است. بروک^۱ و همکاران (۱۹۹۰) نظریه پیچیده‌ای را توصیف می‌کنند که در آن دل بستگی عاطفی به والدین، یادگیری‌های اجتماعی و ویژگی‌های درون فردی جوان، به طور مستقیم بر مصرف مواد اثر می‌گذارند. فقدان حمایت والدین و نظارت آن‌ها، منجر به پیوند خانوادگی ضعیف، مشکلات شخصیتی، ارتباط با هم‌آنان مصرف کننده مواد و مصرف مواد می‌شود. در میان این مصاحبه شوندگان عدم توجه خانواده به آن‌ها و نیز مواردی مانند ضرب و شتم آن‌ها از یک سو سبب جریحه دار شدن غرور و حس جوانی و سرکشی آن‌ها می‌شده است و از جانب دیگر طرد شدگی از طرف خانواده و گرایش به سمت هم‌آنان معتاد را تحریک کرده است، در این موارد، افراد یا به فکر فرار از خانه و کاشانه‌ی خود و مهاجرت غیرقانونی به ایران و یا ترکیه بوده و یا این که برای تسکین خود به سمت نوشیدن هر چه بیشتر مشروب و نیز کشیدن بسیار زیاد سیگار روی آورده‌اند. این شرایط، بهترین فرصت برای معرفی و سوءاستعمال مواد مخدر و گرفتار شدن یک جوان بوده است. خانواده‌ها حتی بعد از گرفتار شدن فرد و نیز زندانی شدن وی، التفات و مراقبتی از وی به عمل نمی‌آورده‌اند، در میان مصاحبه شوندگان، تنها سه مورد از آنان بیان داشتند که خانواده‌ها پشان بعد از زندانی شدنشان، پیگیر شرایطشان در زندان می‌باشند. همین امر سبب شده است که از میان این افراد، تعداد زیادی از آن‌ها در زندان کماکان به کشیدن سیگار (۱۲ مورد) و نیز استعمال مواد مخدر ادامه دهند^۲. شایان ذکر است که اقبال و توجه معتادین به مواد مخدر به گروه دوستان، در واقع ناشی از بی توجهی و بی مسئولیتی خانواده در عطف توجه و نیز مراقبت از فرزندانشان بوده است. در این جا می‌توان به نظریه‌ی کنترل اجتماعی نیز اشاره کرد؛ براساس نظریه کنترل اجتماعی کجروان خیلی کم جامعه پذیر شده‌اند و خانواده واحد اصلی جامعه پذیر کردن آن‌هاست. بنابراین هم از نظر روانشناختی و هم جامعه‌شناختی، کنترل درونی متأثر از خانواده است (هیرشیل به نقل از ابادینسکی، ۳۳: ۱۳۸۲). گروه‌های همکار و همکلاسی نیز در این فرآیند نقشی به سزا داشته‌اند. ۵ مورد از مصاحبه شوندگان در محیط‌های کاری مانند کارگری ساختمان و یا قاچاق کالا در مرزها با دوستان خود و نیز همکاران خود با مواد مخدر آشنا گشته و با تحریک پذیری در مورد تاثیر گذاری آن در مورد تسکین دردها و خستگی‌های ناشی از کار و نیز سود و منفعت بسیار زیاد آن در قیاس با

1. Brook

۲. در زندان معسکرسلام و زندان بازپروری استان سلیمانیه، مواد مخدر به وفور قابل دسترسی بوده، چندین تن از مصاحبه شوندگان بیان داشتند که می‌توان به آسانی آن‌را تهیه کند و صرفاً در قیمت آن، نسبت به بیرون از زندان تفاوت وجود دارد، این شرایط به گونه‌ای شیوع دارد که چندین بار مسئولین انتظامی و نیز روزنامه‌نگاران در رسانه‌ها در انتقاد از آن به بی توجهی در این باره متهم شده‌اند.

کارگری و یا باربری^۱ در مرزها، با مواد مخدر آشنا گشته و به استعمال آن پرداخته‌اند. در واقع گروه همکاران و به نسبت گروه همکلاسی (یک مورد) در این باره تاثیرگذاری بیشتری داشته است. تعداد ۶ نفر از مصاحبه‌شوندگان، تاثیرپذیری از گروه همکاران را در گرایش و آشنایی با مواد مخدر و نیز قاچاق آن قابل توجه دانسته‌اند.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تحصیلات مصاحبه‌شوندگان در سطح بسیار پایینی قرار دارد. در میان ۱۵ مصاحبه تنها ۱ نفر از آنان به دانشگاه راه‌یافته و ۲ نفر دیگر از آنان دارای مدرک دیپلم بوده و ما بقی در سطح راهنمایی و کمتر از آن ترک تحصیل کرده و یا اصلاً فاقد هرگونه سواد بوده‌اند. لازم به ذکر است، یک نفر تحصیلکرده دانشگاهی نیز شربت ترامادول مصرف می‌کرده است و از غیرقانونی بودن آن نیز اطلاعی نداشته است. بسیاری از آن‌ها چنین اذعان داشتند که در صورتی که دارای تحصیلات بالا بوده و نیز می‌توانستند از راه‌های مختلف در مورد تاثیرات و نیز محکومیت مواد مخدر آگاهی و آشنایی کسب می‌کردند، هیچ‌گاه به سراغ مواد نمی‌رفتند. از سوی دیگر بی‌سوادی و نداشتن تحصیلات، تنها در این رویکرد مورد بحث واقع نشده است، بلکه نداشتن تحصیلات را یکی از عوامل و سبب‌های نداشتن کار، شرایط مالی مناسب و موقعیت بالای اجتماعی می‌دانستند. وضعیت اشتغال، مالی و تاهل مصاحبه‌شوندگان نیز در این باره قابل تامل می‌باشد. از میان ۱۵ مصاحبه‌شونده، ۶ نفر از آن‌ها متاهل و ۹ نفر دیگر مجرد بوده‌اند. ۹ نفر از مصاحبه‌شوندگان دارای وضعیت اقتصادی نامناسب بوده، ۲ نفر دارای وضعیت اقتصادی تاحدودی خوب و ۴ نفر باقی‌مانده نیز از وضعیت اقتصادی مناسبی برخوردار بوده‌اند. وضعیت تاهل مصاحبه‌شوندگان نیز به این صورت است که همگی قبل از ازدواج با مواد مخدر آشنا بوده و آن را استعمال می‌کرده‌اند. از طرفی دیگر وضعیت اشتغال نیز بسیار مهم بوده است. هیچ یک از این افراد، به غیر از یک نفر که معلم بوده است، دارای شغلی مناسب و «آبرومندی» نبوده‌اند و این شرایط برای آنان بسیار سخت بوده است بویژه بعد از این‌که کردستان عراق بعد از آزادی از یوغ رژیم بعث، دارای شرایط کاری و اقتصادی مناسبی برای عده‌ای در کردستان عراق بوده است. از این‌رو در این‌جا می‌توان به تفاوت طبقاتی و منزلتی در جامعه‌ی کردستان عراق نیز اشاره کرد. در میان مصاحبه‌شوندگان بیشتر آن‌ها در شرایط اقتصادی نامناسبی زندگی کرده و اگر هم در شرایط کنونی دارای شرایط معیشتی و اقتصادی خوب و یا متوسطی بوده، اما در گذشته شرایط بسیار سختی را تجربه کرده‌اند. شرایط اقتصادی مناسب و نیز اشتغال از یک‌سو می‌تواند سبب ورود فرد به حوزه‌هایی جدید گشته که سبب ایجاد شخصیتی تازه و نو برای وی و نیز پذیرش این شخصیت از جانب دیگران، هم‌آلان و نیز خانواده او گردد و همین خود می‌تواند سبب عدم گرایش فرد به سمت مواد و حتی نیز مشروب و سیگار گردد؛ اما آن‌چه که در اینجا قابل توجه می‌باشد، وجود شغلی کاذب با عنوان قاچاق کالا در مرزهای ایران و ترکیه می‌باشد. در این شرایط، ورود مجموعه‌ای مشخص از

کالاها از ترکیه (کردستان ترکیه) به کردستان عراق از جمله، پارچه، چای، مشروب، سیگار، لوازم برقی، لوزم منزل و ... و نیز ارسال و قاچاق^۱ آن به کردستان ایران و ایران و مشغول شدن تعداد زیادی از جوانان در این زمینه، یکی از عوامل اصلی آشنایی با مواد مخدر بوده که عمدتاً از ایران وارد شده و به ترکیه ترانزیت می‌شود. باتوجه به آوارگی سالیان متمادی مردم کردستان عراق در کردستان ایران و بخصوص در کرمانشاه و نیز شیوع مصرف و خرید و فروش بسیار زیاد این مواد در این استان، بتوان از تاثیرات آن بر نوجوانان و جوانان کردستان عراق در کمپ‌های آوارگان این شهرها نیز اشاره داشت. با توجه به این وضعیت، از یک سو ناآگاهی جوانان و نوجوانان نسبت به مواد مخدر و نیز سنوات محکومیت آن و از سوی دیگر نیاز مالی شدیدی که این افراد دارند و نیز تفاوت سود و منفعت بسیار بالای آن در مقایسه با قاچاق کالاهای عادی (و حتی مشروبات الکلی)، سبب گشته که افراد به تجارت و خرید و فروش مواد مخدر روی آورند. این بازارهای مشترک در مرزهای ایران و ترکیه باعث گشته که افرادی نیز در این کشورها چه افراد بومی مرزها که غالباً کرد بوده و چه افرادی از سایر نقاط این کشورها به خاطر سود و منفعت بسیار بالای آن و نیز بکر بودن بازار عراق و کردستان عراق، به این زمینه ورود کرده و حتی به ایجاد شبکه‌های تولید و توزیع مواد مخدر اقدام نمایند.

به نظر می‌رسد که رفتار شدن جوانان به مواد مخدر، تابع مسیرهای معینی است. در کردستان عراق، آبجو و شراب اولین موادی هستند که جوانان مصرف می‌کنند. سپس سیگار و الکل با مصرف می‌شود. از ۱۵ نفر مصاحبه‌شونده، تعداد ۱۴ نفر از آن‌ها سابقه‌ی مصرف سیگار قبل از مواد مخدر را داشته و ۱۳ نفر نیز مشروبات الکلی مصرف کرده‌اند، این رقم، به روشنی نمایان‌کننده ی ارتباط تنگاتنگ این دو مورد با گرایش به مواد مخدر می‌باشد. به نحوه مشابه مصرف مواد غیر مجاز دیگر، به ندرت قبل از امتحان حشیش اتفاق می‌افتد. در مراحل اولیه مصرف مواد، به نظر می‌رسد رفتار والدین در گرایش جوان به مصرف الکل‌های سنگین بسیار حیاتی است. در مراحل بعدی کیفیت روابط بین والدین و فرزند مهم و تاثیرگذار می‌شود به طوری که جوانان در اشکال خطرناک‌تری از مصرف درگیر می‌شوند. عدم منع قانونی خرید و فروش و مصرف مشروبات الکلی در کردستان عراق و نیز شیوع فرهنگ مصرف آن در اغلب مردم استان سلیمانیه و نیز فقدان توجه به مقوله‌ی آگاه‌سازی و منع قانونی خرید و فروش و مصرف مشروبات الکلی برای افراد زیر ۱۸ سال، خود سبب گشته که دسترسی، مصرف، خرید و فروش آن برای جوانان و حتی نوجوان در کردستان عراق بسیار آسان‌تر از هر جای دیگر و حتی کشورهای اروپایی و آمریکایی باشد. از عمده‌ترین و اصلی‌ترین نتایج بدست‌آمده در این پژوهش با توجه به مصاحبه‌های انجام‌شده، مقوله‌ی آوارگی و مهاجرت، ناشی از جنگ داخلی و نیز وضعیت نامنی ایجاد شده توسط رژیم بعث است. در میان ۱۵ مصاحبه‌شونده، ۸ مورد دارای تجربه‌ی

۱. مفهوم قاچاق در کردستان عراق و غالباً در کردستان ایران دارای بار معنایی منفی نبوده و صرفاً در صورتی که مشروبات الکلی و یا مواد مخدر جابجا شوند، مذموم و ناپسند تلقی می‌گردد. از این رو افرادی که در مرزها به وارد کردن و صادر کردن کالا به فعالیت می‌پردازند، خود را قاچاقچی می‌نامند و دیگران نیز آن را به عنوان مقوله‌ای عادی و طبیعی پذیرفته‌اند.

آوارگی و مهاجرت ناشی از شرایط نامناسب اقتصادی و ناامنی بودند. این میزان، قابل توجه می‌باشد. همان‌گونه که در بالا نیز ذکر آن رفت، تجربه‌ی آوارگی در ایران (تمامی مصاحبه‌شوندگان تجربه‌ی آوارگیشان مربوط به ایران بوده است) در این باره قابل توجه می‌باشد. با آزادی کردستان عراق در سال ۲۰۰۴ و بازگشت آوارگان به کردستان و بهتر شدن شرایط اقتصادی و نیز برقراری تعاملات وسیع سیاسی رهبران کرد با کشورهای منطقه و جهان، مردم ایران (اغلب مردم کرد) و سایر کشورهای منطقه از جمله سوریه، ترکیه و حتی بنگلادش و سومالی و ... به سوی کردستان عراق به دنبال شرایط کاری مناسب روانه شدند. این خود نیز به طرق مختلف می‌تواند سبب آشنایی مردم کردستان عراق با مواد مخدر و و عوارض متعاقب آن گردد.

از میان تمامی مصاحبه‌شوندگان، تنها دو مورد متمایل به ترک مواد مخدر نبوده و حتی در زندان نیز به طرق مختلف بدان دست پیدا می‌کردند، اما سیزده نفر باقی‌مانده تمایل به ترک داشته و یا این که در چند مورد که بیان داشته بودند که گاه‌گاهی در زندان نیز مواد مصرف کرده‌اند، اظهار داشتند که در صورت رهایی از زندان، ترک خواهند کرد. آن چه که قابل تامل بوده این است که در زندان‌هایی که معتادین در آن نگهداری می‌شوند، هیچ‌گونه امکانات، برنامه‌ی آموزشی و مشاوره‌ای در جهت آگاه‌سازی و تشویق به ترک مواد مخدر برای زندانیان وجود ندارد، نکته‌ی قابل تامل تر این است که در خارج از زندان نیز و در استان‌های سلیمانیه و دهوک، هیچ‌گونه مرکزی برای مشاوره و ترک اعتیاد برای معتادین وجود ندارد و در اربیل نیز مرکزی که تحت عنوان «مرکز بهداشتی ترک اعتیاد» تازگی گشوده شده است، هیچ‌گونه فعالیتی نداشته و شروع به کار آن به آینده موکول شده است.

مسئله‌ای که بیشترین مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کردند، ناآگاهی نسبت به مواد مخدر، تاثیرات آن و نیز محکومیت مرتبط با آن بوده است، از میان مصاحبه‌شوندگان، ۷ مورد به عدم اطلاع-رسانی و بی‌اطلاعی نسبت به مواد مخدر و ۲ مورد به تصورات غلط در مورد تاثیرگذاری جنسی مواد مخدر اشاره داشتند. این مسئله نیز قابل تامل است که با توجه به شیوع مصرف و خرید و فروش مواد مخدر در کردستان عراق، اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی نسبت به آن توسط حکومت مرکزی عراق، حکومت اقلیم کردستان و رسانه‌ها و نیز انجمن‌های غیردولتی صورت نمی‌پذیرد و این خود به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در تداوم شرایط استعمال و خرید و فروش تاثیرگذار می‌باشد.

در مجموع نقاط اشتراک مصاحبه‌شوندگان در مصاحبه‌های انجام‌شده، شامل تاکید بر تاثیرگذاری دوستان ناباب، خانواده‌ی نابسامان، آوارگی و جنگ، ناآگاهی و عدم اطلاع‌رسانی و وضعیت اقتصادی نامناسب بوده است و از نقاط افتراق و منحصر به فرد مصاحبه‌شوندگان می‌توان به دو مورد مهاجرت به اروپا و نیز تک‌پسر بودن و «نازپرورده‌بودن» در گرایش به مواد مخدر اشاره کرد.

منابع

- آبادینسکی، هووارد. (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی مواد مخدر. ترجمه محمدعلی ذکریایی. تهران: نشر دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر.
- احمدی، حبیب. (۱۳۷۷). نظریه‌های انحرافات اجتماعی. شیراز: انتشارات راز.
- استراوس، آنسلم و کوربین، ژولیت. (۱۳۹۱). مبانی پژوهش‌های کیفی. ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نشر نی.
- اله‌وردی‌پور، حمید. (۱۳۸۴). بررسی وضعیت سوء مصرف مواد در دانش‌آموزان و تلفیق عامل خودکنترلی در مدل EPPM. مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات در مانی شهید صدوقی یزد. ۱۳ (۱): ۳۱-۲۱.
- ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمودرضا. (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. فصلنامه پژوهش، ۳ (۲): ۴۴-۱۵.
- گریدانوس، دونالد. (۱۳۸۵). مراقبت از نوجوانان. ترجمه ثریا فروشانی و بزرگمهر مطهری. تهران: انتشارات رشد.
- فرخی نورعلی. برجعلی احمد. سهرابی اسمرود فرامرز و اسکندری حسین. (۱۳۹۸). نقش معنویت و تنظیم-شناختی هیجانی بر ترک اعتیاد با وضعیت تاهل و افزایش سن، علوم پزشکی رازی. ۲۶ (۵): ۳۶-۲۶.
- فلیک، اووه. (۱۳۸۸). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی. چاپ دوم. تهران: نشر نی.
- لتیری، دن جی. سیررز، مولیه و پیرسون، هلن والشنتاین. (۱۳۸۴). نظریه‌های سوء مصرف مواد مخدر. ترجمه محمد رضایی. تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.
- مبارکی، محمد. (۱۳۸۳). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
- هولشتاین، جیمز. آ. (۱۳۸۴). راهنمای تحقیق مصاحبه‌ای: زمینه و روش. ترجمه معاونت پژوهش دانشگاه امام باقر. تهران: انتشارات دانشکده امام باقر.
- Alicia. J&Peters Matthew. (2010). Family Skills Training Programmes for Drug Abuse Prevention. California: Sage Publications. IV.
- Bahr, S.J & Hoffmann, J.P. (2008). Religiosity, Peers, and Adolescent Drug Use, Journal of Drug Issues, 38, 743-770.
- Biglan, A., Duncan, T. E., Ary, D. V., & Smolkowski, K. (1995). Peer and parental influences on adolescent tobacco use. Journal of Behavioral Medicine, 18, 315- 330.
- Botvin, G. j. (2000). Preventing Alcohol and Tobacco Use Through Life Skills Training Theory, Methods and Empirical Findings. Alcohol Research & Health. 24(4): 250-257
- Brissing, Peter, Farrow. JA. (1990). A new look at gender difference in drinking and driving in flunkies experiences and attitudes among new among new adolescent drivers. Health Education & Behavior, Vol. 17, No. 2 [http:// www.elsevier.com](http://www.elsevier.com)
- Brook, J.S., Brook, D. W., Gordon, A. S., Whiteman, M., & Chen, P. (1990). The psychosocial etiology of adolescent drug use: A family interactional approach. Genetic, Social and General Psychology Monographs, 116.
- Bronstein, P. J., Zweig, J. M. (1999). Understanding Substance abuse prevention: Toward the 21st Century A Primer on Effective Programs. Center for Substance Abuse Prevention.

- Choi, S., & Ryan, J. P. (2007). Co-occurring problems for substance abusing mothers in child. *Science Direct*, 29(11): 1395-1410.
- Hawkins, J.D. Catalano, R.f. and Miller,N. (2002). Promoting Science-based prevention in communities. *Addictive Behaviors*.1-26.
- Hsieh, Hsiu-Fang, & Shannon, Sarah E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative health research*, 15(9), 1277-1288.
- Johnston, L. D., O'Malley, P. M., Bachman, J. G., & Schulenburg, J. E. (2006). Monitoring the Future national survey results on drug use, 1975-2005. Volume I: Secondary school students (NIH Publication No. 06-5883). Bethesda, MD: National Institute on Drug Abuse, 684.
- Maithya, R. (2009). Drug Abuse in Secondary Schools in Kenya: Developing a Programme for Prevention and Intervention. Unpublished Ph.D Thesis: University of South Africa (UNISA).
- Miller, T. R., Lesting, D.C. & Smith, G. S. (2001). Injury risk among medically identified alcohol and drug abuser, *Alcoholism: clinical and Experimental Research*, 25(1), 54-59.
- Newcomb, M, D .(1995). Identifying High-Risk Youth: Prevalence and Patterns of Adolescent Drug Abuse. National Institute on Drug Abuse
- Oetting, E. R & Beauvaive, F. (1987). Peer Cluster Theory Socialization Characteristics and Adolescent Drug Use: A Path Analysis. *Journal of Counseling Psychology*, 34(2), 205-213.
- Petratis, J., Flay B. R., & Miller, T. Q. (1995). Reviewing theories of adolescent substance abuse: Organizing pieces of the puzzle. *Psychological Bulletin*, 117, 67-86
- Springer, J, F. Herman, J. Sambrano, S. (2004). Characteristics of Effective Substance Abuse Prevention Programs for High-Risk Youth. *The journal of Primary Prevention*, 25.
- World Drug Report 2019. (United Nation publication, Sales No. E.19.XI.8).

The Lived Experience of Drug Misuse among Kurds' Youth (Case Study: The Sulaimanye Province)

Khaled Karimi¹, Pooneh Shahriari² & Aram Asad Abdolrahim³

Abstract

This research has been carried out to study the lived experience of young drug addicts in Sulaymaniyah Province of Iraqi Kurdistan. In recent years, drug abuse has increased in the world, and developing countries, spending significant costs as a result of the damage caused by drug abuse. Iraqi Kurdistan which is in neighboring countries such as Iran and Turkey, in recent years, we have seen the significant growth in the prevalence of drug abuse. Given these issues, and also that in Iraqi Kurdistan no research has been done in relation to drugs and young people, researcher decided to study the lived experience of young addicts in Sulaymaniyah.

This is a descriptive and explanatory research, and conducted using qualitative methodology and phenomenological approach, and this means that addiction has been studied and understood as a social phenomenon. To collect data, interview technique was used, and 15 addicted young prisons were interviewed in rehabilitation of adults and Ma'askar Salam perison. To interpret and analyze data, qualitative content analysis has been used, and using coding interviews, repeated and same codes was deleted and data classification was done, and other codes that were close together, were achieved in comprehensive categories. Generally, six categories were derived from the coding, which includes dysfunctional family and relatives, displacement and migration, inappropriate economic situation, ignorance and negligence towards drugs and the lack of information and awareness from the Government, the prevalence of smoking and alcohol, and bad friends. According to interviewees, among groups of family, friends, colleagues, classmates, friends have more influence on their tendency to addiction and then, family with violence, neglect, parental smoking and alcohol addiction, has had a significant impact in this regard. The respondents' educational level was low, and only one has been educated, accordingly, the interviewees, expressed this as an important factor in the lack of awareness, ignorance and falling into the trap of addiction. Homelessness, and lack of common law for the purchase and sale and use of alcohol, has been much considered among interviewees.

Key words: Addiction, Drug addicts, Iraqi Kurdistan, Sulaimaniyah, Youth.

¹. Master of Women Studies, Department of Sociology, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran

². PhD Student in Demography, Department of Demography, University of Tehran, Tehran, Iran

³. Master of Youth Studies, Department of Sociology, University of Tehran, Tehran, Iran